

در کنار مخالفت به تباین، مخالفت ناموجه حتی به نحو خاص و تقیید هم دیده می‌شود (ناموجه بودن به دلیل ابای برخی عام‌ها و مطلق‌ها (از تخصیص و تقیید)).

4. گستره‌شناسی مخالفت و نظارت روایات حتی بر منقولات اهل تسنن

از بیانات گذشته معلوم شد که روایات مورد گفتگو تنها ناظر به بخش احکام از اسلام نیست بلکه بخش‌های مختلف معارف، اخلاق و تاریخ را نیز در بر می‌گیرد.

بخش‌هایی که گاه مملو از روایات غیر قابل قبول است.

نکته قابل دقت این که در روایات مورد گفتگو هر چند گاه آمده بود: «اذا جاءکم عنا حدیث» (روایت هفتم/ضعیف/از امام باقر - علیه السلام -)؛ «و ما جاءکم عنا» (روایت هشتم/ضعیف/از امام باقر (ع))؛ «لا یصدق علینا» (روایت نهم/ضعیف/از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع))؛ قهراً ناظر به روایات شیعی منقول از امامان معصوم - علیهم السلام - است؛ لکن در بقیه روایات (از ده روایتی که نقل گردید و برخی از سند معتبر برخوردار بود) هیچ اشاره‌ای به روایات شیعی و منقول از ائمه - علیهم السلام - نیست؛ قهراً به راحتی می‌تواند ناظر به روایات اهل تسنن باشد؛ روایاتی که بسیاری از آن‌ها در مخالفت با کتاب و سنت رسول خدا - روحاً و حرفاً - است. اصولاً برخی از روایات گذشته (روایت اول، ششم و دهم) از پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - است که بالطبع ناظر به گفته سنیان هم خواهد بود.

بنابراین بخش عمده‌ای از مصادیق روایات عرضه و طرح خروجی‌های مکتب خلفا از سقیفه به بعد، اسرائیلیات و آرای تربیت شدگان این مدرسه و حاضران در سخنرانی‌های قضاصلین یهود و مسیحی قبل از خطبه‌های نماز جمعه مسلمانان و غیر آن است!¹

روایات عرضه و طرح حتی غیر احادیث از آرای فقهی، کلامی، تفسیری، ارتکازات عامه را نیز شامل می‌شود. شاهد این ادعا عموم روایات اول و دوم بلکه و غیر آن (به ویژه با تفسیر «حدیث» به امری اعم از روایت مصطلح) است.

5. توسعه موافقت به موافقت به نحو عموم و هدایت‌های ثابت و راهبردی کتاب

قبلاً راجع به معیار بودن موافقت یا مانع بودن مخالفت گفتگو شد، چنان که برخی از فقیهان هم ورود اجمالی به این بحث کرده‌اند و ما در کتاب «فقه و حقوق قراردادهای/ ادله عام روایی»² بخشی از آن را منعکس کرده‌ایم.

1. ر.ک: فقه و حقوق قراردادهای / ادله عام قرآنی، پاورقی صص 453. 455.

2. صص 231. 235.

مطابق دلالت واضح برخی روایات معتبر (روایت سوم، هفتم، هشتم و دهم بلکه و غیر این موارد) آن چه لازم است شرط موافقت با کتاب است نه این که مخالفت مانع باشد.

لکن شرطیت موافقت را مخالف اجماع دانسته‌اند. مثلاً شیخ انصاری - قدس سره - در ذیل روایات شرط می‌فرماید:

«المراد منه بقرینة المقابلة عدم المخالفة للاجماع علی عدم اعتبار موافقة الشرط لظاهر الكتاب».³

این اجماع مبنا دارد و الا چه معنا دارد که وقتی چندین روایت تاکید بر لزوم موافقت با قرآن را به صراحت یا به ظهور یا به اشاره مطرح می‌کند، اجماعی برخلاف آن منعقد گردد و معتبر هم باشد؟! به نظر می‌رسد مبنای این اجماع «توسعه در تفسیر موافقت با کتاب/ یا شاهد داشتن از کتاب» است. با این توضیح که موافقت با کتاب گاه موافقت موردی و گاه راهبردی و کلان است! در فرض دوم گاه از قرآن، اصلی استفاده می‌شود که راهگشای صدها مورد است. مثلاً وقتی در قرآن مطرح می‌شود: *فأسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون*

یا خبر ثقه یا موثوق به را بر کرسی اعتبار می‌نشانند (آیه نفر و امثال آن)، قهراً روایاتی که از پیامبر و ائمه - علیهم السلام - با سند معتبر و ثقه به ما رسیده است معتبر و موافق قرآن قلمداد می‌شود، هر چند نسبت این روایت با قرآن - حتی عام و خاص من وجه - باشد، چنان که نبودن مفاد روایتی در قرآن لطمه به صدق موافقت آن با قرآن نمی‌زند. از این رو بر تمام روایاتی که هیچ مفادی - هر چند در سطح فهم ما - از قرآن نه به موافقت و نه به مخالفت ندارند؛ لکن با اصلی از اصول عام و راهبردی قرآن موافق هستند، «موافق قرآن» صادق است. بر این بنیان کشف موافق کار آسانی است و باز کردن فصلی مستقل برای موارد واسطه و شک، ناموجه یا غیر ضرور است. هر چند در روایت هشتم (روایت امالی از امام باقر - علیه السلام - ، با سند غیر معتبر) فرض واسطه شده بود.

3. المكاسب، ص 228، (= همان، ج 5، ص 112).